

# اصول دادرسی کیفری از دیدگاه امام علی (ع)

دکتر حسنعلی مؤذن زادگان

عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی

## چکیده

اصول دادرسی کیفری بنیانهای مستحکم و استواری است که موجب جلوگیری از انحراف دادرسی از مسیر اجرای عدالت می‌شود. افراد شرافتمند و بی‌گناهی که بدون دلیل موجه تحت تعقیب کیفری قرار گرفته‌اند، با تمسک به این اصول و مقررات موضوعه مبتنی بر آنها، می‌توانند از خود رفع اتهام، و اعاده حیثیت کنند.

اصول دادرسی مزبور از قبیل اصل تساوی افراد در مقابل قانون و دادگاه‌ها، اصل علنی بودن رسیدگی و محاکمه، اصل قانونی بودن دادرسی، اصل دو درجه‌ای بودن رسیدگی و اصل برائت، در طول تاریخ تطور آیین دادرسی در جوامع بشری مضبوط و مورد پذیرش قرار گرفته است. در نظام دادرسی اسلامی که نظامی مستقل و مبتنی بر کرامت انسانی است، اصول انسانی حاکم بر دادرسیهای کیفری با آغاز رسالت پیامبر گرامی اسلام در قرن هفتم میلادی ارائه شده است.

قضاوت‌های روشنگرانه امام علی (ع) مشحون از اصولی مبتنی بر موازین علمی و عقلی است که بشریت جویای عدالت اجتماعی قرن‌ها بعد با مبارزه و پیکار با حاکمیت استبدادی به آنها نایل آمده است.

قضاوت‌های مزبور که به عنوان اسناد معتبر دادرسی در اسلام، در تاریخ بشریت به ثبت رسیده است، ضمن رعایت حقوق دفاعی متهم در جریان تحقیقات و دادرسی، متضمن کشف حقیقت، اجرای عدالت کیفری و احقاق حقوق ستمدیدگان است. در قضاوت‌های امام علی (ع) اصول مهمی از دادرسی کیفری از جمله: اصل علنی بودن رسیدگی، اصل نفی شکنجه متهمین در انثای تحقیقات و دادرسی، اصل استفاده از ابزارهای علمی برای کشف حقیقت، اصل توجه به شخصیت متهم برای تعیین واکنش مناسب جزایی در برابر رفتار وی، اصل اعطای فرصت دفاع و دادخواهی به طرفین دعوی و اصل رسیدگی به اعتراض محکوم علیه در مرحله‌ای دیگر از دادرسی، که امروزه جزء اصول لازم‌الاجرا در انثای تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی جرایم و دادرسی است، کاملاً مشهود است.

## مقدمه

یکی از عوامل مؤثر تحقق «عدالت اجتماعی» - که از دیدگاه قرآن مجید هدف اصلی رسالت پیامبران الهی تلقی شده است (سوره حدید، آیه ۲۵) - تثبیت و توسعه «امنیت قضایی» در جامعه است.

«امنیت قضایی» به مصونیت جان، مال، ناموس و عرض، آزادی، مسکن و شغل اشخاص از تعرض و تعدی قانون شکنان اطلاق می شود.

جلوگیری از اقدامات افراد قانون شکن - در اخلاص به امنیت قضایی - مستلزم تدوین اصول و قواعدی راهبردی است که به لحاظ اینکه مبنای مقررات آیین دادرسی کیفری برای تأمین هدف مزبور قرار گرفته، «اصول دادرسی کیفری» نامگذاری شده است.

اصول مزبور که از یک سو باید متضمن حفظ نظم عمومی، تأمین منافع اجتماعی و حقوق ستمدیدگان و از دیگر سو رعایت حقوق دفاعی متهمان در رفع اتهامات ناروا باشد، تأثیر قابل توجهی در ایجاد و توسعه امنیت قضایی و سرانجام، تحقق «عدالت اجتماعی» دارد.

امام علی (ع) این شخصیت عظیم تاریخ اسلام، که در دوران حیات پربار خود ابعادی همه جانبه برای تأمین تمامی ابعاد «عدالت اجتماعی» داشته، واضع اصول مهم دادرسی کیفری است. این امر از مطالعه عمیق روش قضایی و دیدگاه‌های امام علی (ع) در متون و منابع حقوق اسلام کاملاً آشکار می شود.

انسان جوایب عدالت اجتماعی پس از قرن‌ها از سپری شدن دوران امام با توسل به پیکاری فراگیر با استبداد و خودسری حاکمیتها به اصول مزبور نایل شده است.

نگارنده در این مقاله با استناد به روش قضایی و سخنان گهربار امام علی (ع) برخی از اصول دادرسی کیفری را، که در اعلامیه‌های جهانی حقوق بشر و قوانین اساسی کشورها به آنها اشارت رفته، استخراج کرده است.

## مبحث اول - مفهوم و سیر تطور اصول دادرسی کیفری

### الف) مفهوم اصول دادرسی کیفری

در نظامهای دادرسی کیفری از زمان ارتکاب جرم در جامعه تا کشف آن توسط مقامات مسئول انتظامی و قضایی و شناسایی و تعقیب مظنونین و متهمان و سپس تحقیقات مقدماتی درباره جرم و شیوه محاکمه متهمان و اعمال مجازات قانونی در صورت احراز مجرم بودن آنان، مجموعه مقرراتی حاکم است که اصطلاحاً «آیین دادرسی کیفری» نامیده می شود.

اصول دادرسی کیفری بنیانهایی محکم و استواری است که مانع انحراف مسیر دادرسی از اجرای عدالت می شود. این اصول براساس اصل احترام و حمایت از کرامت انسانی وضع شده است. عنایت به اصول مزبور موجب می شود که افراد شرافتمند و بیگناهی که به ناروا تحت تعقیب کیفری قرار گرفته اند بزودی به رفع و دفع اتهام از خود بپردازند و اعاده حیثیت کنند. اصول دادرسی کیفری از یک سو موجب تضمین حقوق و آزادیهای فردی شهروندان و از سوی دیگر باعث دفاع از حقوق جامعه در برابر رفتار مجرمانه و تثبیت نظم عمومی می شود.

اصول مزبور که از همان آغاز کشف جرم تا زمان شناسایی و تعقیب متهم و چگونگی بازجویی و تحقیق از او و سرانجام کیفیت اعمال مجازات قانونی بر وی در صورت احراز مجرم بودن توسعه یافته، متنوع و متعدد است.

برخی از اصول دادرسی کیفری عبارت است از: اصل تساوی افراد در مقابل قانون و دادگاهها، اصل قانونی بودن دادرسی، اصل علنی بودن رسیدگی و محاکمه، اصل منع شکنجه متهمان در اثنای تحقیقات و محاکمه و اصل دو درجه ای بودن رسیدگی.

### ب) سیر تحول اصول دادرسی کیفری

اصول دادرسی کیفری در طول تاریخ بشریت، دستخوش تحولات و دگرگونیهای بسیاری بوده است. در دوران باستان و قرون وسطی و به طور کلی تا قبل از رنسانس در جوامعی که قدرت و معنویت حاکمیت پیامبران الهی استقرار نداشته، هیچ گونه اصول منظم و ضوابطی انسانی بر دادرسیهای کیفری حاکم نبوده است.

اصل برائت، که یکی از مهمترین اصول دادرسی کیفری در نظامهای دادرسی فعلی دنیا به شمار می‌رود، با توجه به رواج اوردالی در دوران باستان جایگاهی نداشته است. در قانون سالیک که در اوایل قرن ششم میلادی تدوین شده و بر کشورهای اروپایی حاکم بوده است، محاکمه معمولاً به وسیله اوردالی و ادای سوگند از طرف شهود همراه بود. چنانچه تعدادی شهود کافی و مطمئن به صلاحیت اخلاقی متهم شهادت می‌دادند از هر اتهام مبری می‌شد. اگر موضوع اتهام مشکوک بود، مراسم اوردالی برقرار می‌شد. بر مبنای قضاوت مذکور دست و پای متهم را می‌بستند و او را در رودخانه می‌انداختند تا اگر بی‌گناه است فرورود و اگر گناهکار است روی آب بماند. (ورسرد) همچنین متهم را وادار می‌کردند پابرهنه از روی آتش یا از روی میله‌های آهنین گداخته بگذرد یا وسیله‌ای از آهن گداخته را به مدت معینی در دست نگه دارد. (ورگرم) در صورتی که متهم از این آزمایشهای جانکاه جان سالم به در می‌برد، آزاد می‌شد.<sup>(۱)</sup>

در آلمان قضاوت به شیوه اوردالی تا قرن چهاردهم میلادی پایدار بوده است.<sup>(۲)</sup> در فرانسه قبل از انقلاب کبیر (۱۷۸۹م)، شکنجه متهمان برای اخذ اقرار، عادی و قانونی بوده است.<sup>(۳)</sup> در آن دوران نظام تفتیشی با خصوصیات غیر علنی بودن، غیر تدافعی بودن و کتبی بودن محاکمه بر دادرسی کیفری حاکم بود. منظور از غیر تدافعی این است که فرصت و امکان دفاع به متهم داده نمی‌شد و حقوق انسانی او در دادرسی رعایت نمی‌شد.<sup>(۴)</sup>

این‌گونه دادرسی به لحاظ تجاوز آشکار به حقوق اشخاص مورد انتقاد شدید

فیلسوفان و دانشمندان حقوق همچون ولتر (۱۶۹۴-۱۷۷۸)، روسو (۱۷۱۲-۱۷۷۸) و بکاریا (۱۷۳۸-۱۷۹۴) قرار گرفت.<sup>(۵)</sup> بدین ترتیب و به دنبال روشن شدن افکار عمومی از طریق انتشار کتابهای علمی در محکومیت روشهای دادرسی مزبور<sup>(۶)</sup> و نیز تحقق انقلابهای آزادیخواهانه در اروپا و آمریکا، دادرسیهای کیفری متحول، و اصولی علمی و عقلی بر آن حاکم شد.

همانگونه که اشاره شد، اصول مزبور مجموعه‌ای از راهکارهای محوری است که می‌تواند دادرسی را در راستای تحقق اجرای عدالت قضایی و صیانت از حقوق افراد بیگناه هدایت کند. این اصول، که همواره سیر تکاملی خود را طی می‌کند، می‌تواند ضمن استقرار نظم و امنیت قضایی از تجاوز به حقوق اشخاص هنگام اقدامات لازم انتظامی و قضایی جلوگیری کند.

در نظام دادرسی کیفری اسلامی به عنوان نظامی مستقل و قائم به ذات، هرگز شیوه‌ها و روشهای دادرسی دوران باستان و قرون وسطی در اروپا و کشورهای معاصر آن دوران مورد تأیید نبوده است. این نظام دادرسی بخشی از کلیت نظام حقوق اسلام است که با ظهور رسالت حضرت رسول اکرم (ص) در قرن هفتم میلادی براساس منابع مربوط (کتاب، سنت، عقل و اجماع)، پیش‌بینی و مقرر شده است.<sup>(۷)</sup>

به اجمال یاد آور می‌شویم که اصول مقرر در نظام دادرسی کیفری اسلام با نظامهای موجود همزمان ظهور اسلام در قرن هفتم میلادی و حتی تا قرن هجدهم در اروپا و کشورهای معاصر، که از احکام مترقی اسلام پیروی نکرده‌اند، قابل مقایسه نیست.

همانطور که ملاحظه شد، شکنجه متهم در قرون مزبور در اروپا، عادی و قانونی بوده است؛ در حالی که به موجب منابع و متون معتبر فقهی، اقدام ضدانسانی مذکور برخلاف دستور شریعت بوده و اقرار ناشی از شکنجه فاقد اعتبار شرعی است.<sup>(۸)</sup>

استفاده از روش غیر معقول اوردالی در صورت تردید در صحت انتساب اتهام به متهم، فاقد مجوز در نظام دادرسی اسلام است و اصولاً جزء ادله اثبات دعوی در

حقوق اسلام محسوب نمی‌شود.<sup>(۹)</sup>

همچنین اصولی از قبیل اصل بر خورداری متهم از فرضیه بیگناهی و تفسیر قوانین جزایی به نفع متهمان در صورت تردید در انتساب بزه به آنان، که از قرن هجدهم در اروپا مورد تأیید قرار گرفته،<sup>(۱۰)</sup> یازده قرن قبل از آن در حقوق اسلام پیش‌بینی شده است.<sup>(۱۱)</sup>

از جمله منابع مهم اصول دادرسی کیفری در اسلام، شیوه‌های قضاوت حضرت رسول اکرم (ص) و امام علی (ع) است. در شیوه‌های قضاوت مزبور که امروزه به عنوان «روش قضایی» معروف است، اصول دادرسی کیفری منطبق بر موازین علمی و عقلی دادرسی‌های دوران معاصر بخوبی مشهود است.

به عنوان نمونه اصل تساوی افراد در برابر قانون و دادگاه‌ها، که امروزه از اصول مترقی دادرسی‌های کیفری در اعلامیه‌های جهانی حقوق بشر<sup>(۱۲)</sup> و قوانین اساسی کشورها از جمله قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران<sup>(۱۳)</sup> به شمار می‌رود از قضاوت نبی اکرم اسلام (ص) درباره زنی از اشراف مکه به نام فاطمه مخزومی کاملاً استنباط می‌شود. در قضیه مزبور برای جلوگیری از محاکمه و اجرای مجازات بر بانوی مذکور، که به اتهام سرقت تحت تعقیب بود، افراد سرشناس و نزدیکان حضرت رسول (ص) با ایشان مذاکره کردند. اما پیامبر گرامی اسلام ضمن رد درخواست آنان در نطقی آتشین فرمود: «الا ای مردمان همانا که اقوام پیش از شما از آن رو تباه و هلاک شدند که چون یکی از اشرافشان دست به سرقت می‌آلود او را از کیفر معاف می‌پنداشتند و چون ضعیفی دست به دزدی می‌گشود، او را به جنگال کیفر می‌سپردند. به خدا قسم که هرگاه فاطمه دختر محمد مرتکب چنین عمل ناستوده می‌شد، بی‌گمان دست او رامی‌بریدم.»<sup>(۱۴)</sup>

قضاوت‌های امیرالمؤمنین (ع) و دستورهای ایشان به مالک اشتر نخعی در نحوه گزینش قاضی،<sup>(۱۵)</sup> منبع سرشار اصول مترقی دادرسی کیفری است.

امام علی (ع) در قضاوت‌های متعدد با دیده تیزبین و خدامحور خاص خود، برگ

زرینی از مجموعه اصول دادرسی کیفری را برای بشریت جویای عدالت به میراث گذاشته است که شمه‌ای از آنها را بیان خواهیم کرد.

## مبحث دوم - مصداق‌هایی از اصول دادرسی از دیدگاه امام علی(ع)

همان‌گونه که گفته شد، امروزه اصول حاکم بر دادرسیهای کیفری متنوع است و همواره تحول دادرسی مسیر تکاملی خود را طی می‌کند. در این مبحث با توجه به اقتضای مقاله‌ای تحقیقی به برخی از اصول عمده دادرسی کیفری، که غالباً در روش قضاوت امام علی(ع) مطرح شده است، پرداخته می‌شود.

### الف) اصل تساوی افراد در برابر قانون و دادگاه‌ها

اجرای عدالت که هدف غایی دادرسی کیفری است، مستلزم برخورد برابر قانون و دادگاه‌ها در مقابل اصحاب دعوی است؛ خصوصاً قاضی دادگاه به عنوان مجری اصیل و عادل قانون باید نهایت بیطرفی و عدم جانبداری را در طول تحقیقات و دادرسی نسبت به طرفین دعوی و دفاع اعمال کند به گونه‌ای که ناظران جلسات دادرسی هیچ‌گونه شائبه طرفداری قاضی را در خصوص یکی از اصحاب دعوی ملاحظه و مشاهده نکنند.

امام علی(ع) مظهر و الگوی کامل رعایت اصل تساوی افراد در برابر قانون و دادگاه‌هاست. این اصل از دیدگاه مولای متقیان از چنان اهمیتی برخوردار است که نسبت به کمترین تبعیض در خصوص یکی از طرفین دعوی در برابر دیگری اعتراض می‌کنند. ابن ابی‌الحدید در شرح نهج‌البلاغه آورده است: «مردی نزد عمر بن الخطاب علیه علی(ع) اقامه دعوی کرد، در حالی که علی(ع) نیز در مجلس حضور داشت. در این هنگام عمر رو به علی(ع) کرد و گفت: یا اباالحسن برخیز و دوشادوش مدعی بنشین. علی(ع) برخاست و در کنار مدعی بنشست و طرفین دعوی و دفاع، حجت‌های خویش را

تقریر کردند تا کار محاکمه به پایان رسید و مدعی از پی کار خود روان شد و علی (ع) به جای نخستین بازگشت. در این موقع عمر آثار خشمی در سیمای علی (ع) دید و برای کشف علت گفت: آیا این پیشامد را ناگوار داشتی؟

علی (ع) گفت: آری؛ عمر موجب ناگواری را بجست. علی (ع) گفت: موجب ناگواری آن بود که تو مرا در حضور مدعی با «کنیه» خطاب کردی در صورتی که حق آن بود که مرا به نام می خواندی و امتیازی میان من و او (مدعی) قائل نمی شدی.

عمر چون این سخن بشنید، علی (ع) را در آغوش کشید و صورتش را بوسه باران کرد و گفت: پدرم به فدای شما که خدا ما را در پرتو وجودتان هدایت فرمود و از ظلمت به نور آورد.»

همچنین امام علی (ع) در خصوص رعایت کامل اصل مزبور فرمود: (۱۷)

«من ابتلی بالقضاء فلیواس بینهم فی الاشارة و فی النظر و فی المجلس» یعنی، کسی که بین مردم به قضاوت اشتغال ورزد باید در نگاه کردن، در محل نشستن و در اشاره کردن بین اصحاب دعوی، مساوات برقرار کند.

به اصل تساوی افراد در برابر قانون و دادگاهها در اعلامیه اسلامی حقوق بشر، (۱۸) اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹) و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (۲۰) تصریح شده است.

اصل بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی در این زمینه می گوید: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.»

### ب) اصل علنی بودن محاکمات

علنی بودن دادرسی کیفری یکی از خصوصیات مهم آن است. براساس این قاعده دادگاهها باید به طور علنی به اتهام وارد به متهم رسیدگی کنند.



به موجب این خصوصیت، حضور و نظارت افراد در جریان برگزاری محاکمه آزاد است. رسانه‌های گروهی می‌توانند ضمن حضور در محاکمات به تهیه گزارش و خبر برای روشن شدن افکار عمومی مبادرت ورزند.

علنی بودن محاکمات، نوعی نظارت مردمی برای ملاحظه کیفیت تحقق اجرای عدالت، احقاق حقوق متضرر از جرم، رعایت حقوق دفاعی متهم و نیز تأمین منافع جامعه در تعقیب بزه‌کاران است.<sup>(۲۱)</sup>

مولا علی (ع) جلسات دادرسی و محاکمه افراد را در مسجد جامع کوفه ترتیب می‌دادند. همچنانکه مؤلفان نظام دادرسی اسلامی استنباط کرده‌اند، فلسفه جلسات دادرسی در مسجد، رعایت اصل علنی بودن رسیدگی و تسهیل حضور مردم در جلسه دادرسی بوده است.<sup>(۲۲)</sup> به همین جهت فقهای امامیه به منظور اعمال کامل اصل مزبور، اتخاذ حاجب را هنگام جلسه دادرسی مکروه دانسته‌اند.

در اصطلاح قضای اسلامی، حاجب به کسی گفته می‌شود که در دادگاه می‌ایستاد و با کنترل ورود و خروج افراد، مانع از اخلال نظم جلسات محاکمه می‌شد.<sup>(۲۳)</sup>

ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، اصل علنی بودن محاکمات را پیش‌بینی و مقرر کرده است. اصل ۱۶۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی در خصوص پیش‌بینی اصل علنی بودن محاکمات مقرر می‌دارد: «محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است، مگر اینکه به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی، طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.»

### ج) کاربرد دستاوردهای علمی در کشف حقیقت قضایی

در صورتی که کسی به مبحث قضا و شهادت و نیز حدود و قصاص و دیات در غالب کتابهای فقهی مراجعه کند،<sup>(۲۴)</sup> ممکن است این سؤال برای او مطرح شود که آیا

قاضی برای کشف حقیقت قضایی به استفاده از ابزارهای علمی مجاز است یا خیر. سؤال مزبور از اینجا ناشی می‌شود که در مباحث مورد اشاره غالب فقها صریحاً متعرض تأثیر کاربرد ابزار علمی برای کشف حقیقت قضایی نشده‌اند. آنچه برای اثبات دعاوی و جرایم مورد بحث و بررسی تفصیلی قرار گرفته، عمدتاً شهادت شهود، اقرار، سوگند و قسامه است. اگرچه علم قاضی نیز به استناد قول مشهور فقهای امامیه می‌تواند برای اثبات دعاوی مورد استفاده قرار گیرد، از طریق حصول علم قاضی و اینکه ابزار علمی قابل استفاده برای حصول علم است یا خیر، سخن چندانی به میان نیامده است<sup>(۲۵)</sup> و حال اینکه امروزه استفاده از ابزارهای علمی و کارشناسان رسمی برای اظهار نظر درباره مسائل مختلف علمی و فنی در محاکمات کیفری قاعده‌ای اساسی محسوب می‌شود.<sup>(۲۶)</sup> در عین حال در قضاوت‌های امام علی(ع) استفاده از علوم تجربی و انسانی، شایع بوده است؛ به عنوان مثال امام علی(ع) پرده از راز اتهام واهی زنا به جوان پاکدامن انصاری از طریق انداختن جامه مورد ادعای آغشته به منی در ظرف آب در حال غلیان برداشت. توضیح مطلب به اختصار چنین است:<sup>(۲۷)</sup> در عهد عمر بن خطاب دوشیزه‌ای به نام «صفیه هوزان» به دروغ مدعی شد که جوانی انصاری به عنف پرده ناموس او دریده و به وی تجاوز کرده است و برای صدق ادعای خود جامه آغشته به مایعی شبیه منی در محکمه عمر بن خطاب ارائه داد. عمر که آثار صدق و عفاف جوان انصاری در تکذیب اتهام وارده او را متحیر کرده بود، مانند بسیاری دیگر از موارد از امام علی(ع) کمک خواست. پس از طرح قضیه نزد امام، ایشان فرمان داد تا جامه صفیه را در ظرف آبی در حال غلیان فرو بردند و چون چنین کردند، مایعی که بر جامه بود به شکل ماده سفید رنگی منعقد شد و آن‌گاه فرمود: اگر این مایع منی بود، بی‌گمان در آب جوشان گذاخته می‌شود، لیکن چون این مایع، سفیده تخم مرغ بوده است در اثر حرارت تغییر شکل داد و منعقد شد و بدین ترتیب پرده از راز ماجرا برداشته شد و صفیه بناچار در برابر دادگاه عدل مولای متقیان علی(ع) واقعیت ماجرا و کذب اتهام وارد شده را به جوان انصاری

(۲۸) افشا کرد.

قضیه دو زن و یک طفل ماجرای قضایی دیگری است که به هنگام در ماندگی خلیفه دوم از کشف حقیقت به داوری امام علی(ع) سپرده شد. در این قضیه دو زن با اصرار و تأکید، ادعای مادری طفلی را داشتند. هنگامی که حضرت مولا از نصایح و اندرزهای خیر خواهانه برای کشف حقیقت و صلح و صفا طرفی نسبت، فرمود: اره ای حاضر کردند. هنگامی که زنان از موضوع اره کسب اطلاع کردند، امام فرمود: اره را خواسته ام تا حقیقت ماجرا را باز گوید. آن گاه به کسی از حاضران دستور داد که طفل را با اره به دو قسمت مساوی تقسیم، و هر قسمت را به یکی از دو زن تسلیم کند. ماجرا که به این مرحله رسید، یکی از دو زن برخوردید و گفت: یا ابوالحسن اگر چاره ای جز دو قسمت کردن کودک نباشد، من از پیگیری دعوی درگذشتم، کودک را به رقیب من واگذار. امام علی(ع) به محض شنیدن سخنان زن مزبور با آواز بلند تکبیر گفت و فرمود: این کودک فرزند توست. زیرا اگر فرزند رقیب تو بود، بی گمان به حال او دلسوزی می کرد و راضی به قسمت کردن طفل با اره نمی شد. با کشف حقیقت از طریق این نکته روانشناسی و خردمندان، زن رقیب به حقیقت امر اعتراف کرد و کودک را به مادر خود سپرد. عمر در این قضیه نیز لب به ثنای امام علی(ع) گشود. (۲۹)

همانگونه که گفته شد، امروزه کاربرد علوم و فنون مختلف در دادرسیهای کیفری برای کشف حقیقت، عادی است. اما باید توجه داشت که امام علی(ع) این شیوه را قرنها قبل از سیر تحول دادرسی به سوی تکامل و تعالی مورد استفاده قرار داده است.

#### د) اصل منع شکنجه متهمان در اثنای بازجویی

شکنجه متهم در اثنای بازجویی و تحقیقات جنایی برای اخذ اقرار و یا اطلاع، اقدامی ضدانسانی است که مطابق اصول دادرسی کیفری، اعلامیه اسلامی حقوق بشر،<sup>(۳۰)</sup> اعلامیه جهانی حقوق بشر،<sup>(۳۱)</sup> میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی،<sup>(۳۲)</sup>

کنوانسیون منع شکنجه و دیگر مشقات غیرانسانی یا موهن<sup>(۳۳)</sup> و قوانین اساسی کشورها بشدت منع شده است.

اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با اقتباس از منابع غنی حقوق اسلام اصل مذکور را پیش‌بینی کرده است و مقرر می‌دارد: «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.»

در سیره و روش قضای امام علی(ع) براساس قضاوت‌های متعددی که از ایشان در تاریخ دادرسی اسلام به ثبت رسیده است، هرگز از اعمال اذیت و آزار جسمی و روحی متهمان برای اخذ اقرار و یا اطلاع و یا به بهانه کشف حقیقت اثری مشاهده نمی‌شود.<sup>(۳۴)</sup> به علاوه امام به موجب روایات متعدد، اقرار یا اعتراف ناشی از شکنجه را فاقد اثر قضایی دانسته است.

- عن ابی البختری، عن ابی عبدالله ان امیرالمؤمنین(ع) قال:<sup>(۳۵)</sup> «من أقر عند تجرید او تخویف او حبس او تهدید فلا حد علیه.» یعنی، ابوالبختری از امام صادق(ع) روایت می‌کند که علی(ع) فرمود: «کسی که هنگام تجرید (عریان کردن و کتک خوردن) یا ترساندن یا حبس یا تهدید، به جرمی اقرار کند بر او حدی نیست.»

- عن اسحاق بن عمار، عن جعفر، عن ایبه، أن علیاً(ع) کان یقول:<sup>(۳۶)</sup> «لا قطع علی احد یخوف من ضرب و لا قید و لا سجن و لا تعنیف...» یعنی «اسحاق بن عمار از جعفر و او از پدرش و وی از علی(ع) نقل می‌کند که فرمود: دست متهمی که به نوعی از زدن ترسانیده شده قطع نمی‌شود. همچنین نمی‌شود او را در زنجیر کرد یا زندانی و شکنجه نمود.»

همان‌گونه که در سیر تحول اصول دادرسی کیفری اشارت رفت، شکنجه متهمان در اثنای تحقیقات و دادرسی در ادبیات حقوقی فرانسه و کشورهای معاصر آن تا قبل از

انقلاب کبیر فرانسه در اواخر قرن هجدهم، عادی و قانونی بوده، و از جمله انتقادات عمده فیلسوفان و حقوقدانان عصر روشنگری نظیر ولتر و بکاریا رواج شکنجه متهمان بود.<sup>(۳۷)</sup> بدین ترتیب با توجه به شیوه‌های قضاوت امام علی (ع) و بیانات ایشان معلوم می‌شود که قرن‌ها قبل از تحول دادرسی کشورها در منع شکنجه متهمان، مولای متقیان با این اقدام ضدانسانی در اثنای تحقیقات و دادرسی مخالفت می‌کرده است.

#### ه) توجه به شخصیت متهم برای تعیین واکنش مناسب جزایی

از جمله اصول دادرسی کیفری که در سیر تکاملی تحول دادرسی مورد توجه قرار گرفته، اصرار بر عنایت جدی قاضی به وضعیت جسمی - اجتماعی و روانی متهم در اثنای تحقیقات و دادرسی برای تعیین واکنش مناسب جزایی اعم از مجازات یا اقدام تأمینی است.

علمای دادرسی کیفری از جمله صفات متمیزه دادرسی کیفری از مدنی را لزوم عنایت به شخصیت متهم در دادرسی کیفری برخلاف دادرسی مدنی ذکر کرده‌اند.<sup>(۳۸)</sup> رعایت قاعده مزبور لازمه عنایت به هدف اصلاحی - تربیتی و بازسازگارکردن اجتماعی متهمان در اعمال مجازات‌هاست.

در روش قضایی امام علی (ع) توجه به اصل مزبور کاملاً مشهود است. صاحب کتاب فقه الامام جعفر الصادق (ع) می‌گوید:<sup>(۳۹)</sup> «جاء فی روایات اهل البیت (ع) ان علی الامام ان یزوج الزانیة رجلاً لیمنعها من الزنا، قال الامام ابو جعفر الصادق: قضی امیر المؤمنین (ع) فی امرأة زنت و شردت ان یربطها امام المسلمین بالزوج، لما یربط البعیر الشارد بالعقال و المراد بامام المسلمین الدولة، اما العقال کنایة عن الزوج القوی الذی یشد حاجتها و یمنعها عن الزنا، بهذا المنطق المعقول علی الجریمة الفاحشه، لا بالحکم و المواعظ و لا بالتأدیب و التوبیخ.» یعنی در روایات امامان آمده است که: امام مکلف است زن زناکار را به ازدواج مردی درآورد تا از وقوع زنا و جلوگیری کند. امام

صادق(ع) فرمود: علی(ع) در مورد زنی که زنا نموده و از اطاعت خدا سرپیچی کرده است به این‌گونه قضاوت کرد که امام مسلمین همان طور که شتر رم‌کننده را با عقال به بند می‌کشد، زانیه را باید به ازدواج مردی درآورد. منظور از امام مسلمین از اینجا دولت اسلامی و کنایه از عقال مردی قدرتمند است که نیاز جنسی زن را ارضا، و وی را از ارتکاب به زنا منع می‌کند. با این منطق عاقلانه است که بدون توسل به موعظه و نصیحت کردن و مجازات و سرزنش کردن از فحشا و ارتکاب جرم جلوگیری به عمل می‌آورد. همچنین در کتاب وسائل الشیعه آمده است: (۴۰) «أن امیر المؤمنین اُتی برجل عبث بذکره، فضرب یدیه حتی احمرت ثم زوجه من بیت المال، یعنی علی(ع) دست مردی را که استمنا کرده بود، تنبیه نمود تا قرمز شد، آنگاه به هزینه بیت‌المال به او زن داد.

از روشهای قضایی مزبور معلوم می‌شود که قاضی باید در تعیین واکنش جزایی، شخصیت متهم را مورد بررسی قرار دهد و تدبیری به کار برد که این واکنش به اصلاح و تربیت و بازسازگار کردن اجتماعی وی منجر شود.

این شیوه از قضاوت، عمق عنایت و توجه امام علی(ع) را در تحقق هدف اصلاحی مجرمان، قرن‌ها قبل از تحول دادرسی کیفری در گرایش به امر مذکور به اثبات می‌رساند.

### نتیجه‌گیری

اصول دادرسی کیفری که متضمن رعایت حقوق دفاعی متهمان و تأمین منافع جامعه در اثنای تحقیقات و دادرسی است، مبنای تدوین و تصویب مقررات آیین دادرسی کیفری تلقی می‌شود.

در دوران باستان و قرون وسطی تا قبل از وقوع انقلابهای اجتماعی و آزادیخواهانه در اروپا و آمریکا، اصول مزبور خصوصاً از حیث رعایت حقوق دفاعی متهمان و حمایت از افراد شرافتمند و بیگناه کاملاً نادیده انگاشته می‌شد.

ملاحظه منابع و متون حقوق اسلام در روش قضایی و دیدگاه‌های امام علی(ع)

بیانگر این است که ایشان قرن‌ها قبل از سیر تکاملی تحول دادرسی کیفری به این اصول پایبند و بلکه واضح آنها بوده است. اصولی از قبیل اصل تساوی افراد در برابر قانون و دادگاه‌ها، اصل منع شکنجه متهمان در اثنای تحقیقات و دادرسی و اصل علنی بودن محاکمات که قرن‌ها پس از دوران امام علی (ع) با مبارزه پیگیر مردم علیه حاکمیت‌های جور تحصیل شده است در قضاوت‌های علی (ع) بخوبی مشاهده می‌شود.

انسان متمدن امروزی همواره نیازمند غور و تعمق گسترده در شیوه قضاوت امام علی (ع) برای کشف اصول بیشتری در روش قضایی ایشان است.

#### یادداشتها

- ۱- ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، پاشائی و امیرحسین آریان‌پور، ج ۱، چاپ دوم، انتشارات سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ص ۸۶۱
- ۲- ویل دورانت، تاریخ تمدن، مترجمان ابوالقاسم صارمی، ابوالقاسم پاینده و ابوالقاسم طاهری، ج ۴، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۸ ه. ش، ص ۷۳۵
- ۳- به نقل از: محمد آشوری، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۵، ص ۳۰-۲۹
- ۴- همان کتاب، ص ۲۸
- ۵- به نقل از: محمد آشوری، جزوه آیین دادرسی کیفری، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۶۴، ص ۱۴-۱۹
- ۶- «ر.ک» به: سزار بکاریا، رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۶۸
- ۷- برای مطالعه منابع حقوق اسلام «ر.ک» به: سیدعلی نقی حیدری، اصول الاستنباط من اصول الفقه، قم، مکتبه المفید، بی تا
- ۸- سیدمحمدالحسینی الشیرازی، الفقه (کتاب الحدود و التمزیرات)، دارالقرآن الحکیم، قم، بی تا، ص ۲۰۵
- ۹- ر.ک به: احمد الحصری، علم القضاء (ادلة الأثبات فی الفقه اسلامی)، دو جلد، چاپ اول، انتشارات دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۶ ه. ق
- ۱۰- پرویز صانعی، حقوق جزای عمومی، ج ۱، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، بی تا، ص ۱۵۴-۱۵۵
- ۱۱- ابوالقاسم گرجی، حقوق جزای عمومی اسلام، نشریه مؤسسه حقوق تطبیقی، شماره ششم (۱۳۵۸)، ص ۸۵-۱۴۸
- ۱۲- ماده هفتم اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوب دهم دسامبر ۱۹۴۸
- ۱۳- اصل بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- ۱۴- سیدصدرالدین بلاغی، عدالت و قضاء در اسلام، چاپ سوم، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۸، ص ۲۴۹

- ۱۵- در مورد قضاوت‌های حضرت علی (ع) «ر.ک.» به: همان کتاب، ص ۲۵۵-۳۱۱ و در خصوص چگونگی گزینش قاضی «ر.ک.» به: محمد فاضل لنکرانی، آیین کشورداری از دیدگاه امام علی (ع)، چاپ چهارم، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۳، ص ۱۵۱-۱۵۳
- ۱۶- به نقل از سیدصدرالدین بلاغی، همان کتاب، ص ۱۱۲
- ۱۷- حر عاملی، وسائل الشیعه، چاپ پنجم، ج ۱۸، انتشارات کتابخانه اسلامی، تهران، ۱۴۰۱ ه ق، ص ۱۵۷
- ۱۸- بند الف ماده ۱۹، اعلامیه اسلامی حقوق بشر
- ۱۹- ماده ۷ همان اعلامیه
- ۲۰- بند ۱ ماده ۱۴ میناق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶
- ۲۱- حسنعلی مؤذن‌زادگان، حق دفاع متهم در آیین دادرسی کیفری و مطالعه تطبیقی آن، پایان‌نامه دوره دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۷۳، ص ۲۷۹
- ۲۲- محسن باقرالموسوی، القضاء الیغنام القضایی عند الامام علی (ع) الطبعة الاولى الغدیر، بیروت، ۱۴۱۹ ه ش، ص ۱۱۴-۱۱۵
- ۲۳- محمدجعفر لنگرودی، دائرةالمعارف علوم اسلامی، ج ۲، ص ۵۲۵
- ۲۴- «ر.ک.» به: کتابهای فقهی از جمله: شرح لمعه، شرایع الاسلام، تحریرالوسیله و جواهرالکلام
- ۲۵- همان کتابها
- ۲۶- «ر.ک.» به: مواد ۸۸-۹۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۷۸
- ۲۷- سیدصدرالدین بلاغی، همان کتاب، ص ۲۵۸-۲۵۵
- ۲۸- همان کتاب، ص ۲۵۷
- ۲۹- همان کتاب، ص ۲۹۳-۲۹۵
- ۳۰- ماده ۲۰
- ۳۱- ماده ۵
- ۳۲- ماده ۱۴-۳
- ۳۳- برای ملاحظه تبیین کنوانسیون در این زمینه «ر.ک.» به: محمدعلی اردبیلی، شکنجه، نشریه تحقیقات حقوق دانشکده حقوق شهید بهشتی (شماره ۹ - بهار - تابستان ۱۳۷۰)، ص ۲۱۲-۱۸۱
- ۳۴- سیدصدرالدین بلاغی، همان کتاب، ص ۳۱۱-۲۵۵
- ۳۵- حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۴۹۷
- ۳۶- همان کتاب، ص ۴۹۸
- ۳۷- محمد آشوری، همان کتاب، ص ۳۲
- ۳۸- محمود آخوندی، آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، انتشارات جهاد دانشگاهی، ج ۱، ص ۱۱
- ۳۹- محمدجواد معنیه، فقه‌الامام جعفر الصادق، جلد ۶، انتشارات دارالجواد، بیروت، ۱۴۰۳ ه ق، ج ۶، ص ۲۶۴
- ۴۰- حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۵۷۵

